



رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای هیأت دولت توصیه‌های مهمی را خطاب به رئیس‌جمهور و دولتمردان بیان کردند. در بین توصیه‌های ایشان یکی از نکات مهم، تأکید بر لزوم همکاری و هماهنگی بیشتر بین اعضای دولت و کار تیمی دولتی‌هاست. به نظر می‌رسد دلیل اصلی‌ای که موجب شد رهبر انقلاب در همین ابتدای کار دولت دوم آقای روحانی بر مسألهٔ هماهنگی و همکاری بین اعضای دولت تأکید کنند به عملکرد و در واقع به تجربه دولت یازدهم در این زمینه مربوط می‌شود. این مسأله‌ای است که حتی یکی از وزرای دولت یازدهم هم در پایان کارش به آن اذعان کرد. «علی طیب‌نیا» در مراسم تکریم خود و معارفه «سعید کریاسیان» در سمت وزارت اقتصاد که چندی قبل بر گزار شد، گفت: «ما با چالش‌های عمده‌ای روبه‌رو هستیم که عبور موفق از این چالش‌ها نیاز به هماهنگی دارد. ما نیازمند سازوکار برای ایجاد هماهنگی هستیم. همانطور که گفتیم دولت یازدهم و رئیس‌جمهوری گام‌هایی را برداشتند ولی هنوز با یک نظام حکمرانی هماهنگ نشده فاصله داریم. در ۴ سال گذشته در مواردی به دلیل همین کاستی‌ها فرصت‌ها را از دست دادیم و از فرصت‌های راهگشا استفاده نشد. مثلاً در سال ۹۲ فرصت مناسبی برای اصلاح وضعیت هزینه‌های دولت و هدفمندی یارانه‌ها وجود داشت ولی فرصت را از دست دادیم». هرچند حسن روحانی در برهه‌های مختلف بر انسجام بین اعضای دولت تأکید کرده بود اما در طول ۴ سال دولت یازدهم عملاً شاهد درگیری‌ها و بگومگوهای متعدد اعضای دولت بودیم؛ بگومگوهایی که در مواردی رسانه‌ای شد و حتی به آنتن زنده صداوسیما هم رسید. «عباس آخوندی» از

سعید رضایی: مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری یکی از مهم‌ترین برنامه‌های روزهای نخستین آغاز به کار یک رئیس‌جمهور در ایران است که کیفیت و کمیت و برگزاری آن می‌تواند نقش بسزایی در آغاز به کار جدی و خوب یک رئیس‌جمهور داشته باشد. از همین رو برگزارکنندگان این مراسم تلاش می‌کنند با دعوت از چهره‌های مختلف سیاسی از یک سو و تلاش برای حضور چهره‌های بین‌المللی از سوی دیگر، نهایت تلاش خود را به کار برند تا این مراسم به نمادی برای وحدت و عزت ملی و ایجاد وجهه‌ای در حد و تراز ایران تبدیل شود. در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور دوازدهم نیز مجلس شورای اسلامی به‌عنوان میزبان این برنامه ملی از تمام ظرفیت‌های خود بهره برده و برنامه‌ای در شأن ایران اسلامی را به اجرا درآورد که متأسفانه حادثه و حاشیه‌های ناگوار موجب شد حواشی بر متن برگزاری مراسم غلبه کند و تمام منافع آن تحت‌الشعاع قرار گیرد. شوق و اشتیاق زندالوصف برخی نمایندگان – که عمدتاً از لیست امید و حامیان دولت بودند- برای گرفتن یک سلفی بافدریکا موزرینی چنان مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت که بزودی در صدر اخبار رفت و ماندگان حاشیه‌های مجلس بر خروجی مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله با دشمن و در مقابله با موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد.» در عرصه سیاست خارجی نیز چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور اینگونه است که «داری تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت» باشد.^(۱) به همین ترتیب اصل «عزت» در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جایگاهی والا به خود اختصاص داده بطوری‌که در سرفصل دهم قانون اساسی به نام «سیاست خارجی»، از آن تحت عنوان «ققی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد» یاد شده است. اصل ۱۵۲ اشعار می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری

آیا روحانی به هماهنگی و همکاری بین اعضای کابینه توجه خواهد کرد؟

تجربه غیرقابل دفاع دولت یازدهم

- علی‌اکبر عباسی

مورد حمله قرار داد و اظهار داشت: «۱۲ سال پیش سلامت مردم را دست نگاه اقتصادی دادیم. وزارت رفاه چه چیز برایش مهم است؟ برای او حقوق و سرمایه‌گذاری مهم است و بعد هم می‌گوید حقوق باید به دست کارگران و بازنشستگان برسد، زیرا پزشکان وضعیت مالی خوبی دارند.» سخنانی که البته از سوی وزیر رفاه بی‌پاسخ نماند و «علی ربیعی» در واکنش به اظهارات وزیر بهداشت گفت: «این حرف درست نیست، روزی که من به وزارتخانه کار آمدم بودجه تأمین اجتماعی ۸ هزار میلیارد تومان بود و امروز به ۱۸ هزار میلیارد رسیده که این رقم بسیار قابل توجه است.» وی همچنین اظهار داشت: «پول درمان کجا می‌رود؟ برخی می‌گویند پول درمان را سرمایه‌گذاری کردیم؛ که باید بگوییم حتی ما پول سرمایه‌گذاری را به بخش درمان پرداخت کردیم.» یکی دیگر از وزرایی که در دولت یازدهم بارها شاهد درگیری‌های لفظی او بودیم، «محمدرضا نعمت‌زاده» بود. دی‌ماه ۹۵ «بیزنس نامدارزنگنه» از تریبون مجلس علیه نعمت‌زاده موضع‌گیری کرد؛ او با انتقاد از دخالت‌های وزیر صنعت در حوزه مسائل پتروشیمی و با تأکید بر اینکه نعمت‌زاده مسئولیتی در حوزه پتروشیمی ندارد، گفت: آیا خدا را خوش می‌آید ۱۶ میلیارد دلار از دهان مردم بگیریم و به جیب یک عده بریزیم؟! وی با بیان اینکه بنده مسئول بخش پتروشیمی هستم و وزیر صنایع قانونا مسئولیتی در این حوزه نداره، افزود: اما اینکه آقای نعمت‌زاده زمانی مدیر پتروشیمی بوده و علاقه‌مند است در این زمینه اظهار‌نظر کند، بحث دیگری است. نعمت‌زاده همچنین در برهه‌ای با اکبر ترکان، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور و دبیر شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری-صنعتی و رئیس سازمان نظام مهندسی وارد بگومگو شده بود. وزیر صنعت، تیرماه ۹۵ در مراسم روز صنعت با انتقاد از «واردات‌محور» شدن مناطق آزاد گفته بود: «مناطق آزاد یکی از گلوگاه‌های واردات و قاچاق است. اینکه مردم کالایی را به عنوان سوغاتی از این مناطق وارد کنند، مسأله‌ای نیست اما وقتی برخی افراد نیشان را بر می‌کنند و تریلی‌های مملو از کالا را روانه سرزمین اصلی می‌کنند، دیگر روشن است که هدف، واردات و به عبارت دیگر قاچاق کالااست. هر روز از صفحات روزنامه‌ها تبلیغات خرید املاک تجاری در مناطق آزاد دیده می‌شود که نشان می‌دهد خبری از تولید در آن مناطق نیست.» جملات نعمت‌زاده عصبانیت شدید ترکان را به دنبال

داشت و او روی آنتن زنده تلویزیون، نعمت‌زاده را مورد حمله قرار داد. ترکان در برنامه «متن/ حاشیه» در واکنش به وزیر صنعت گفت: «نعمت‌زاده مواظب حرف زدنش باشد اگر نه از کوره در می‌روم و چیزهایی می‌گویم. بنده خجالت می‌کشم یکسری مسائل را درباره ایشان به زینان آورم». وزیر صنعت دولت یازدهم زمانی نیز با «ولی‌الله سیف» رئیس کل بانک مرکزی وارد بحث شده بود. محمدرضا نعمت‌زاده اسفند ۹۵ در چهاردهمین همایش تعالی سازمانی با بیان اینکه بانک‌ها در ایران فلج هستند، اظهار کرد: «در همه جای دنیا بانک‌ها بر اساس خدمات ارائه شده سود می‌گیرند اما ما می‌خواهیم از طریق نزول خواری و دریافت بهره کار را پیش ببریم و به همین دلیل نیز کارمان برکت ندارد». یک روز بعد از اظهارات نعمت‌زاده، سیف واکنش تندی به این سخنان نشان داد و گفت: از ایشان انتظار دارم به وظایف اصلی خودشان بپردازند و از بیان چنین اظهاراتی که عمدتاً قدرشناسی نسبت به تلاش‌های گذشته بانک‌ها از آن استنباط می‌شود، بپرهیزند. رئیس بانک مرکزی یار بار هم از سوی اکبر ترکان- عضو پرچاشیه دولت یازدهم- مورد حمله قرار گرفت. زمانی که ترکان برپرومپن عدم تأسیس بانک‌های خارجی در مناطق آزاد گفت: «این‌نامه تأسیس بانک‌های آفشور در مناطق آزاد با پیگیری‌های بسیار زیاد و برگزاری نشست‌های کارشناسی بابانک مرکزی تصویب و ابلاغ شد و پس از آن موجی از درخواست‌ها برای تأسیس این بانک‌ها در مناطق آزاد ایجاد شد اما جریان‌های پولی و آرزوی مستقل در مناطق آزاد به دلیل سختگیری‌های بانک مرکزی و افزایش سرمایه‌بانک‌های خارجی و آفشور عملاً شکل نگرفت و متقاضیان ایجاد بانک‌های خارجی عمل‌نشین نمی‌کنند. این در حالی است که وزیر اقتصاد دولت یازدهم نیز از جمله ترکان بی‌نصیب نماند. دبیر شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری-صنعتی دی‌ماه ۹۵ در برنامه گفت‌ووی ویژه خبری گفته بود، با احترام به وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی باید بگوییم آیا از این به بعد وزارتخانه می‌تواند بر کار سایر دستگاه‌هایی که در منطقه آزاد فعالیت می‌کنند و هم‌عرض همان وزارتخانه هستند نظارت کند؟ وزارت اقتصاد به سایر دستگاه‌ها مشرف نیست بلکه فردی که در یک رتبه بالاتر یعنی منصوب رئیس‌جمهور است می‌تواند بر کار سایرین مدیریت و نظارت داشته باشد. علاوه بر آنچه بیان شد، در دولت یازدهم در برهه‌هایی شاهد آن بودیم که خود

رئیس‌جمهور نیز به یکی از طرفین بگومگوها با اعضای کابینه تبدیل می‌شد. به عنوان مثال می‌توان به مباحثی که بین روحانی و صالحی در رابطه با برجام پیش آمده بود، اشاره کرد. روزهای پایانی سال ۹۴ «علی‌اکبر صالحی» رئیس سازمان انرژی اتمی در گفت‌وگو با وبگاه «العربی‌الجدید» با انتقاد از کوتاهی طرف غربی در اجرایی کردن تعهدات خود گفته بود: «تهران به آنچه باید، متعهد است اما تأخیری در طرف مقابل هست که مسؤولیتش هم با خودش است.» وی در ادامه «رفع تحریم به موجب توافق» را از مصادیق «این تأخیر برشمرده و گفته بود: «تا الان برخی بانک‌های بزرگ اروپایی تحریم‌هایشان را به‌طور کامل پایان ندهاند، چرا که قبلاً تعهد داده‌اند که با ایران مرادو تجاری نداشته باشند». این سخنان صالحی اما برآشفتنگی رئیس‌جمهور را به دنبال داشت و حسن روحانی چند روز بعد در نشست خبری در واکنش به این مواضع صالحی گفت: «صالحی، وزیر امور خارجه، وزیر اقتصاد یا رئیس بانک مرکزی نیست». سخنانی که دلخوری رئیس سازمان انرژی اتمی را موجب شد و وی در پاسخ به سوالی درباره بدعهدی‌های آمریکا در اجرای برجام در واکنش به اظهارات روحانی گفت: «هی‌بنیمین که طرف مقابل برجام چه کاری انجام می‌دهد، حالا ببخشید من نباید وارد این موضوع شوم چون ممکن است یک عزیزی ناراحت شود.» وی گفت: «در برجام آنها متعهد شدند کاری نکنند که با روح برجام در تضاد باشد اما به یکباره قانون ویزا را در کشور وضع کردند و من این را می‌توانم بگویم و دوستی نمی‌تواند به من بگوید شما وزیر اقتصاد، رئیس بانک مرکزی و وزیر امور خارجه نیستی؛ حداقل ۴۰ سال استاد دانشگاه هستم که این را می‌توانم بگویم». یقیناً صرف انرژی اعضای اصلی دولت به اختلاف‌های داخلی و دامن زدن به آن، بیش از هر چیز آنها را از انجام وظایف اصلی و حل و فصل مشکلات کشور دور می‌کند. این در حالی است که در شرایط فعلی شاهد مشکلات قابل توجهی در کشور هستیم و حسن روحانی نیز با وعده حل و فصل این مشکلات و تأکید بر عزت‌راستی نسبت به گذشته جهت رفع این معضلات توانست برای بار دوم در رأس دولت قرار بگیرد. افزون بر این، حتی اگر بتوان با برخی از مسائلی که در دولت یازدهم وجود داشت با اغماض برخورد کرد، در دولت دوازدهم حتی امکان چنین اغماضی هم وجود ندارد، چرا که دیگر مدت‌هاست زمان آزمایش و خطاپرابی دولتمردان معتدل گذشته است.

دستگاه کشوری و لشکری از آن دبدبن کرده و در کنار آن عکسی به یادگار می‌گیرند»^(۱) اما این حرکت و نشان دادن اشتیاق در گرفتن یک عکس یادگاری با مورگرینی شاید نمونه تاریخی مشابهی- بویژه در روزگار نه شرقی نه غربی- نداشته باشد. آنها تصویری را به دست تاریخ این کشور دادند که جز بدنامی چیزی در پی نخواهد داشت. کسب آبرو و عزت اگر درونی نباشد لاجرم به توسل به بیگانه‌گان ختم خواهد شد که آن نیز پوشش‌هایی خواهد بود و تاریخ ماضی ایران بخوبی نشانگر آن است که بیگانه‌گان هیچ منفعتی را برای مردم ما خواستار نبوندند که عکس با آنها خواهد آن منفعت را دنبال کند. متأسفانه از جمله مشکلات مهم جریان غربگران این است که به یکی از اصول ترین مبانی انقلاب اسلامی که آن‌هم ساخت از درون است توجه چندانی ندارند و همواره در پی آن هستند که با برقراری روابطی نیکوتر و بهتر با غرب، بر مشکلات اقتصادی کشور فائق آیند، حال آنکه درمان این دردها تنها از درون سرچشمه می‌گیرد و تا زمانی که این نگاه تصحیح نشود، پرداخت هزینه تنها دستاورد ملت ایران از برقراری روابط سازشکارانه با غرب خواهد بود. امید است هیأت نظارت بر رفتار نمایندگان ضمن برخورد روشن و دقیق با این مساله راه را بر اتفاقات آینده‌نشین در آینده بسته و عزت انقلاب اسلامی را از بازپچه قرار گرفتن حفظ کند. عزتی که به‌پای آن خون شهدایی چون محسن حججی‌ها ریخته شده، شهیدانی که گدایی عزت نکرده بلکه خود عزت‌ساز شدند.

پی‌نوشت

۱- جهت مطالعه بیشتر رک: عوامل عزت در روایات معصومین علیهم‌السلام، نشریه میبغان، فروردین ۸۲، شماره ۳۹.

۲- عزت‌اندیشی و منافع ملی در سپهر سیاست لارجی، http://www.borhan.ir/NSite/Ful/Story/News/?Id=9296

۳ - عزت، حکمت یا مصلحت‌آکادمیک اولویت سیاست خارجی است؟ http://kayhan.ir/fa/news/70563

۴ - صحیفه امام خمینی، ج ۱۳، ص ۳۸۵.

۵ - استقبالی‌هاوشرف‌آمینر؛ تکرار رفتار خقارت‌بار شاهان قاجار، http://yonir.nRgV۱.

منبع:برهان

بحث_سیاسی_ ممنوع

زینب طاهری: به انتخابات که نزدیک می‌شویم، کمپین‌هایی برای دعوت از افراد تشکیل می‌شود. کسانی که به این کمپین‌ها می‌پیوندند، به کاری که انجام می‌دهند همراه افراد شوخ (شوخی حتی با دموکراسی و انتخابات!) برای ریاست‌جمهوری ثبت‌نام می‌کنند. کسانی برای حمایت از فرد مورد نظرشان دوباره کمپین راه می‌اندازند و به هواداری‌شان می‌گویند «کنش سیاسی».

افراد تأیید صلاحیت و به طور رسمی کاندیدای ریاست‌جمهوری اعلام می‌شوند.

کسانی برای حمایت از کاندیدای مورد نظرشان ستاد تشکیل می‌دهند و باز به فعالیت‌هایشان می‌گویند «کنش سیاسی». در هر کدام از این مراحل به اصطلاح کنشگران سیاسی با به اصطلاح کنشگران سیاسی مخالف خود، رو به رو می‌شوند. جدلی که بین آنها بر سر انتخاب شدن یا نشدن، بهتر بودن یا نبودن کاندیداها در می‌گیرد به هیچ عنوان بحث سیاسی نیست و اشتباه شاهدان ماجرا اینجاست که برای خاتمه دعوای می‌گویند «بحث سیاسی ممنوع» در حالی که هیچ بحثی؛ آن هم از نوع سیاسی انجام نشده است. به نظر می‌رسد بحث سیاسی در معنای حقیقی خود به کار نرفته باشد. برای فهم بهتر منظوم از بحث سیاسی، بیاید کمی به عقب برویم؛ به دهه ۵۰ خصوصاً سال‌های منتهی به انقلاب.

اگر در آن زمان فردی از مردم عادی ایران تصمیم می‌گرفت کنش سیاسی داشته باشد، چه می‌کرد؟ کنش سیاسی آن سال‌ها قطعاً به معنای پیوستن به جریان‌های انقلابی آن سال‌ها مثل اکثریت اسلامگرایان یا اقلیت مارکسیسم بود. به هر کدام از این دو جریان که می‌پیوست یعنی ایدئولوژی آن را پذیرفته بود و معتقد بود سر کار آمدن جریان فکری خودش، راه‌حل مشکل‌هاست (حتی اسلامگرایان هم که پیرو امام بودند و خواستار بازگشت ایشان بودند و به رهبری و در واقع به ولایت فقیه و نظام ولایتی داشتند و اینکه در حال حاضر پرابی فرد برای رهبری امام است) بنابراین هر کسی متعلق به هر جریان به روش خودش کنش سیاسی انجام می‌داد. تالیف کتاب، سخنرانی و تفهیم وضع موجود برای جامعه، کار ایدئولوگ‌ها و تئورو، تظاهرات و اعتراض‌ها کار اصلی عمل بود. جدل بین یک اسلامگرا و مارکسیست، بحث سیاسی نام دارد. شاید بحث درباره به «قدرت» رسیدن یا نرسیدن یک مدیر در «سازوکار نفت و دولت و ملت» هم بخش کوچکی از بحث سیاسی باشد اما قطعاً همه آن نیست. متأسفانه جامعه ما امر سیاسی را به انتخابات و بحث سیاسی را به هیاهوی جنگ قدرت دیگران تقلیل داده است. هیچ‌وقت بحث بر سر اینکه کدام فرد باید انتخاب شود راه به جایی نمی‌برد اما جدل ایدئولوژی‌ها،راهگشاست.انتخابات اینقدر مهم نیست. قطعاً مشارکت و رای دادن وظیفه همه ملت ایران است و ملت این کار را انجام می‌دهد، اما ملت باید بدانند وظیفه دیگری هم دارد. این توقع همیشگی از مسوولان، مردم را منفعل کرده و این بی نظارتی مسوولان را...

چرا نباید در مناظرات انتخاباتی از برنامه دفاع شود و کاندیدای ریاست‌جمهوری فقط کاندیدای اجرای برنامه ارائه‌شده‌اش باشد؟

چرا به فرد رای می‌دهیم و بحث می‌کنیم که می‌تواند یا نمی‌تواند؟ اصلاً توانایی با کدام برنامه؟ چرا دیگر بر سر آرمان و ایدئولوژی بحث نمی‌کنیم؟ چرا فکر می‌کنیم نباید بحث سیاسی کرد؟ چرا گفت‌وگو بلد نیستیم و سریع کار به دعوا می‌کشد؟ چرا امر سیاسی و کنش سیاسی را نفهمیده‌ایم؟ مشخص است در وضعیت کنونی مسأله را گم کرده‌ایم، اینکه باید دنبال سیرری برویم که راه‌آمدی را حاصل کند یا برای مشکلات راه‌حل مشخص و قابل قبول و واقع‌گرا داشته باشد اما همه اینها امروز در عرصه سیاست‌ورزی کشور یا در همان به اصطلاح کنش سیاسی گروه‌های سیاسی کمترین اهمیتی ندارد!

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

دریافت پیام‌های شما از سراسر کشور

تکیه بر عناصر درونی قدرت، تنها راه عزت‌جویی

«عزت ملی» حلقه گمشده جریان غربگرا

بر اساس آموزه‌های دینی و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، عزت و عوامل به دست آوردن آن نه در برقراری رابطه با اغیار بلکه عنصری درونی است که از استحکام پایه‌های داخلی پدید می‌آید. بر همین اساس اگر نگاهی کوتاه به متن آیات و روایات اسلامی داشته باشیم درمی‌یابیم سرچشمه اصلی عزت، خداوند است و تمام عزت‌ها از آن اوست (فَللّٰهُ العِزَّةُ جَمِیْعًا). علاوه بر این عواملی چون طاعت و بندگی، تقوا و خودنگهداری، تمسک به قرآن و اسلام، پیوند با مؤمنان، جهاد و شهادت، بصیرت و آگاهی، عدم وابستگی وطمع‌ورزی در مال دیگران، توکل، همت بلند، و به‌عنوان مهم‌ترین عوامل به دست آوردن عزت شمرده شده‌اند.^(۱) دقیقاً همین مبانیی دینی بود که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با تکیه بر مکتب سیاسی- الهی امام خمینی(ره) تبلور یافت. «عزت‌اندیشی» در نگاه اسلامی و بتبع آن، سیاست خارجی دولت اسلامی جایگاهی ویژه دارد، چرا که در اندیشه دینی، عزت تنها با تمسک به اسلام و مجاهدت در راه آن فراهم می‌شود. بر اساس همین تعابیر، مقام معظم رهبری در تعریف عزت می‌فرماید: «عزت به معنای ساختن مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله با دشمن و در مقابله با موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد.» در عرصه سیاست خارجی نیز چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور اینگونه است که «داری

تعال سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت» باشد.^(۲) به همین ترتیب اصل «عزت» در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جایگاهی والا به خود اختصاص داده بطوری‌که در سرفصل دهم قانون اساسی به نام «سیاست خارجی»، از آن تحت عنوان «ققی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد» یاد شده است. اصل ۱۵۲ اشعار می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری

نیز دیده می‌شود که رعایت اصل عزت بویژه در مقابل دیگران از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است چنانکه امام خمینی(ره) خاطره خود از نوع برخورد یکی از رؤسای جمهوری آمریکا با شاه ایران را «خجالت‌آور» عنوان کرده و بیان می‌کنند: «جانسون گمان می‌کند ما بود. جانسون بود. او آنجا ایستاده بود و اواشاه! اینجا ایستاده بود. او اصلاً تئوی صورت او نگاه نکرد. از شأن خودش، عینکش را برداشته بود، چشمش را از


^[1] به همین ترتیب اصل «عزت» در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جایگاهی والا به خود اختصاص داده

^[2] به همین ترتیب اصل «عزت» در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جایگاهی والا به خود اختصاص داده